



فهرست مطالب

۲.....	اشاره
۲.....	عرفان عملی خوف
۲.....	تفسیر موضوعی شهید صدر
۲.....	مبدأ در ورود به متون تفسیری
۲.....	ورود در استنباط موضوعی و جدید
۳.....	خلع و کبس
۳.....	منظومه دوم منازل السائِلین
۳.....	مفهوم خوف از منظر عرفا
۴.....	انذار و تبشیر
۴.....	تحلیل خوف
۴.....	نتایج خوف
۵.....	اقدامات برای رهایی از خوف
۵.....	مفهوم عام خوف در فقه
۵.....	تصرف ذات صفت خوف از طرف انسان
۶.....	تمرینات و ریاضت‌های عملی برای کم یا زیاد کردن خوف
۶.....	دو مبدأ خوف



بسم الله الرحمن الرحيم

اشاره

عرفان عملی خوف

عرفان عملی مسئله خوف به عنوان یکی از مقامات به شمار آمده، در منازل السائِلین؛ ابتدا بدایات و بعد ابواب ذکر شده است، منازل السائِلین صد منزل و مقام را در ده منظومه تبویب کرده و در منظومه دوم که نامش ابواب است، حزن و خوف جزء مقام اول و دوم است و بعد از آن با فاصله‌ای مقام اشواق است، این سه مقام با خوف رابطه مستقیم دارد، مقامات دیگری هم در عرفان هست که با بحث خوف ارتباط دارد، در آنجا اشاره شده است که مقام حزن و خوف تفاوتی دارد که حزن نسبت به گذشته است و خوف نسبت به آینده است، در تعاریف لغوی و اصطلاحی خوف معطوف به آینده است، «توقع امر مکره فی المستقبل»، چنین قیدی در تعاریف لغویین و در اصطلاحات وجود دارد، مدعایشان این است که همین مقامات در متون دینی وجود دارد و آن‌ها استخراج کرده‌اند و منظومه‌سازی کردند، حداقل در عرفان عملی و آنچه در منازل السائِلین آمده؛ این مدعا وجود دارد، به نحوی مدعایشان این است که کشف شهودی؛ پشتوانه این مقامات است و در عین حال این‌ها به گونه‌ای تفسیر و منظومه‌سازی و طبقه‌بندی همان مقاماتی است که در آیات و متون دینی وجود دارد، این ادعا با جدیت در منازل السائِلین وجود دارد، به همین دلیل در منازل السائِلین در ابتدای هر مقام محور یک آیه است و در ذیلش هم گاهی به آیات دیگر تمسک می‌شود. به شکلی مدعایشان این است، مقامات عارفین، مدارج و مسالک و مراتبی که وجود دارد، نوعی از آن تفسیر موضوعی قرآن است، منتها با یک استفاده‌ای از کشف شهود است.

تفسیر موضوعی شهید صدر

تفسیر موضوعی مرحوم شهید صدر؛ اصطلاح‌سازی و منقح‌سازی متعلق به ایشان است، اما اصل تفسیر موضوعی که ایشان می‌فرمایند؛ سابقه دارد، فقه ما عمدتاً تفسیر موضوعی قرآن و حدیث است.

مبدأ در ورود به متون تفسیری

مبدأ در ورود به متون تفسیر موضوعی؛ یک تجربه و معرفت بیرونی است و کمک کند افراد سراغ متن بروند و مفاهیم را استخراج کنند، گاهی متن ساده است و فهمیده می‌شود، گاهی اوقات گرچه متن در درونش غنایی است و معارف مهمی منظوی است و اصول و قواعد معتبر استنباط هم می‌شود از آن استنباط کرد، اما به‌تنهایی امکان ندارد یا اینکه بسیار دشوار است، لذا تجربه و معرفت بیرونی و دانش‌هایی بیرون کمک می‌کند که افراد بتوانند عرضه و استخراج بکنند.

ورود در استنباط موضوعی و جدید

آنچه کمک می‌کند برای عرضه سؤالات و ورود در یک استنباط موضوعی و جدید؛ گاهی تجارب عادی و گاهی دانش‌هاست که انواع علوم را در برمی‌گیرد، گاهی اندیشه ورزی بشر او را به مفاهیمی و قواعدی می‌رساند و این کمک می‌کند و به او توانایی



می‌دهد که سؤالات نویی را عرضه بکند و در استنباط هم این توانایی ذهنی به او کمک می‌کند که بهتر بتواند پاسخ بگیرد، گاهی هم عرفان؛ خواه نظری یا عملی است، در عرفان عملی برخی از مدعیان یا نویسندگان و محققان در حوزه عرفان عملی نظرشان این است که برخی موارد درک و شهود وجود دارد و یا از شهود دیگران استفاده کرده‌اند و با این روش مسائل یا موضوعاتی از متون دینی استخراج می‌کنند.

در کتاب منازل السائِلین صد منزل است که در هر منزل زیر منزهایی تصویر شده که بعضی سه منزل که سیصد منزل می‌شود و برخی ده منزل که هزار منزل می‌شود، البته منازل السائِلین ده منزل ده‌تایی آورده که صد منزل است.

خَلع و لَبس

تحول یک عارف در این منازل به صورت نحو تراکم و تراکم الصور است، خلع و لبس نیست، در فلسفه ذکر شده که یک نوع تحول در موجودات خلع و لبس است، یعنی چیزی رها می‌کند و صورت جدید می‌گیرد، اما در حرکت جوهری ترکیب صور است، یعنی صورت بالاتری می‌آید که صورت زیرین هم در آن حفظ می‌شود و مدغم در آن می‌شود، این‌طور نیست که آن را از دست بدهد.

در غالب منازل عرفانی این‌طور است که صورت قبلی؛ درون‌مایه اصلی‌اش را از دست نمی‌دهد، این‌طور نیست که منزل قبل را آن عارف رد کرد، یعنی آن را رها کرد و وارد منزل بعدی شد، بلکه این منازل به صورت مدغم است.

منظومه دوم منازل السائِلین

منظومه دوم به بحث حزن و خوف و اشواق و مفاهیمی که به ترس و بیم ربط دارد؛ اشاره شده است. خوف و بیم یک‌بار به‌عنوان یک‌منزل و ایستگاه تلقی می‌شود که در مراتب صدگانه؛ چند منزلش مربوط به خوف و حزن است، درعین‌حال بیان می‌شود که خوف یک مفهوم جنسی هم دارد که به نحوی تقریباً در همه منازل به نحوی وجود دارد.

مفهوم خوف از منظر عرفا

عرفا می‌گویند خوف دو مفهوم دارد:

۱- مفهوم نوعی

۲- مفهوم جنسی

مفهوم نوعی‌اش زمانی است که خوف به صورت یک‌منزل معین در آمده است، منزلگاهی که طی یک مدارجی شخص؛ مستغرق در دین است، دین بر او حاکم است و خوف اسم غالب بر اوست.

مفهوم جنسی یعنی نوعی بیم نامتعین کلی مهمی که در همه منازل وجود دارد، لذا زمانی در عبادات گفته می‌شود: «خوفاً لله و طمعاً فی ثواب و خوفاً من العقاب و حباً لله»؛ خوفی که قسیم قرار گرفته؛ خوف نوعی است، اما در همه آنها یک نوع خوف جنسی وجود دارد، حتی در جایی که طمع دارد، خوفی هم دارد که شاید به آن نرسد، این نکته نشان‌دهنده جایگاه بسیار مهم خوف است.



عمدتاً در روان‌شناسی عمومی و روان‌شناسی شخصیت به این بحث پرداخته شده.

انذار و تبشیر

بحث انذار و تبشیر به‌عنوان یک روش تلقی می‌شود، سلسله روش‌هایی در قرآن در تعلیم و تربیت وجود دارد، این‌ها هم به شکلی مبتنی به بحث دین است و اینکه از دین بهره می‌گیرد که فرد متحول شود و تغییری در شخصیت و رفتار او بدهد. در اخلاق به بحث خوف به‌عنوان یک روش و به‌عنوان صفت و ویژگی پرداخته شده است. در اخلاق خوف به‌عنوان یک صفت و فضیلت یا رذیلت ذکر شده، همچنین یک روش برای خودسازی معرفی شده است، در تعلیم و تربیت به‌عنوان یک روش و دستمایه روش‌هایی از تغییر و تحول‌آفرینی در دیگران به شمار آمده است.

تحلیل خوف

تحلیل از خوف به این صورت می‌شود که یک پایه خوف؛ معرفت و شناخت است، تا شناختی در موجودی نباشد؛ خوفی نیست، با تأکید به اینکه معرفتی باید باشد که بتواند به آینده تسری پیدا بکند، ممکن است کسی شناخت داشته باشد، اما حال را بفهمد و نتواند آینده را ببیند، امکان دارد در حیوانات این‌طور باشد. شناخت هم عرض و هم عمقش محدودیت و درجات دارد، یکی از محدودیت‌ها شناخت؛ طول زمان است، این مطلب به‌عنوان یک مقدمه است که در موجود خوف ایجاد شود. عامل دیگر؛ میل به خوشی و التذاد و آسایش و آرامش است، بسیاری از اوصاف آدمی این‌طور است، در حقیقت روی پایه معرفت و میل است، در فلسفه هم به این دو پایه تأکید می‌شود و پایه‌های بسیاری از حالات و کیفیات نفسانیه؛ این دو پایه معرفت و میل است، بسیاری از احوال روحی این وضع را دارد. از لحاظ خارجی؛ هنگامی که علم به آن تعلق می‌گیرد؛ خطر و ضرر و عدم منفعت پدید می‌آید، اما متوقف بر واقع خطر و ضرر یا عدم منفعت و مصلحت نیست، بلکه بر همان وجود ذهنی‌اش متوقف است، یعنی اینکه در ذهن باشد؛ خوف ایجاد می‌شود، ولو اینکه در واقع نباشد، لذا در روان‌شناسی انواع بیم‌های مرضی ایجاد می‌شود که هیچ اصل و اساسی در خارج ندارد، اما واقعاً بیم و هراس دارد.

نتایج خوف

خوف نتایجی در پی دارد، حداقل یک نابسامانی‌های روحی است که ایجاد می‌شود و گاهی هم در عمل منعکس می‌شود، نابسامانی‌های روحی مثل استرس و اضطراب و امثالهم که در روان‌شناسی بسیار مورد توجه است، بخشی از این پدیده‌های روان‌شناختی در نتیجه ترس در وجود انسان حاصل می‌شود. عملی که از خوف منعکس می‌شود، اقدام برای رهایی است، یکی از بحث‌های در روان‌شناسی؛ مکانیزم‌های دفاعی انسان در موقعیت‌های ترس است.



اقدامات برای رهایی از خوف

اقدام برای رهایی از خوف دو گونه هستند:

- ۱- گریزهای درونی و روان‌شناختی
 - ۲- مکانیزم‌های دفاعی، کسب محبت، کسب قدرت، کناره رفتن و امثالهم
- خوف به دلیل احوال روحی که ایجاد می‌کند و به دلیل مکانیزم‌های مختلف گریز و فرار؛ با یک مجموعه‌ای مفاهیم دیگر مرتبط می‌شود، زمانی که تفسیر موضوعی می‌خواهد انجام بشود، غیرازاینکه واژه خوف و حزن و واژه‌های دیگر، باید مفاهیمی که جزء مترتبات خوف است و جزء متأثرات و دستاوردهایی از خوف است؛ دیده شود، مثلاً فرار، اعتصام و امثالهم، به نحوی در بحث تفسیری خانواده خوف قرار می‌گیرند.
- بنابراین مجموعه‌ای از مفاهیم دیگری را هم در برمی‌گیرد، البته به‌عنوان مرادف و متناظر و امثالهم نیست.
- گاهی اسم از این مفهوم یا مترادفات آن نیست، بلکه مصادیق در بعضی از آیات ذکر شده است، مثلاً واقعیت ترس را در یک داستان نشان داده‌شده، بدون اینکه واژه ترس بکار رفته باشد.
- بحث دیگر اختیاریت و عدم اختیاریت خوف است، در بحث‌های تفسیری، کلامی و فقهی مؤثر است، مخصوصاً زمانی که نزدیک به بحث اخلاق و فقه هست، برای اینکه عمده فقه و اخلاق؛ تصرفات و تعیین و تکلیف‌هایی است که در حوزه رفتارهای اختیاری انجام می‌شود.

مفهوم عام خوف در فقه

البته اختیاریت به معنای عام هست، ولو اختیاریت به معنای مقدمات باشد، زمانی که مقدمات اختیاری باشد، فعل اختیاری می‌شود، مفهوم عامی که در فقه است؛ خوف و بیم بر دو قسم است، مهم این است که بخشی از خوف‌ها و بیم‌ها هم در ایجاد و رفعش و کنترل و تنظیمش؛ اختیاری است، زمانی که در محدوده اختیار قرار بگیرد، در این صورت اخلاق و فقه در باب آن دواری اخلاقی یا فقهی می‌کنند، مثلاً گفته می‌شود جُبن بد است، خوف من الله خوب است و امثالهم.

تصرف ذات صفت خوف از طرف انسان

- ذات این صفت خوف و بیم قابل‌تصرف آدمی است، هم با تصرف در آن علم و دانش و هم تصرف در آن میل صورت می‌گیرد، پس به چند وجه اختیاری است:
- ۱- در آن شناخت می‌شود تصرف کرد، مکانیسم دفاعی مثل آن است که فرد خود را به چیز دیگر مشغول می‌کند که آن ترس و بیم از بین برود.
 - ۲- راه دوم کنترل کردن میل است، همین که میل به زندگی دنیا دارد، موجب این می‌شود که مثلاً جنگ برایش سخت شود، اما اگر این میل را در خود نابود کرد، راحت به جنگ می‌رود.
- اما اینکه آیا میل را بدون تصرف در معرفت؛ می‌توان دخل و تصرف کرد، یا خیر؟ غالباً از آن راه است، اما ممکن است از راه‌های دیگر مثل بدنی این کار را انجام بدهد، مثل اینکه ژن را تغییر بدهند.



راه دیگر این است که میل را با علم و دانش می‌توان کم یا زیاد کرد، اما با یک واسطه‌ای به علم و معرفت برمی‌گردد.

تمرینات و ریاضت‌های عملی برای کم یا زیاد کردن خوف

راه دیگر؛ تمرینات عملی است، تمرینات و ریاضت‌های عملی می‌تواند این صفت را کم یا زیاد بکند، تأثیراتی که در اوصاف نفسانی می‌گذارد، آیا مستقیم است، یا ریاضت‌ها در یکی از دو عامل علم و میل تأثیر می‌گذارد؟ دومی اظهر است و از کلمات بزرگان بیشتر این برداشت می‌شود که این تمرین و ممارست موجب کم یا زیاد شدن شناختش می‌شود، اینکه به طور مستقیم اثر بگذارد، بعید است.

این روش و راه در طول بقیه راه‌ها و روش‌ها هست، یعنی با این روش در آن‌ها تأثیر می‌گذارد. خود خوف به صورت مستقیم می‌تواند تحت اختیار قرار بگیرد یا خیر؟ ظاهر این است که امکان‌پذیر نیست، زیرا خوف پدیده‌ای است که وصل به مبادی است، در باب ایمان این بحث مطرح است، ایمان؛ علم و التزام و نتایج عملی است، آیا می‌شود التزام را با قطع نظر از علم کم یا زیاد کرد؟ ظاهر این است که امکان‌پذیر نیست، پایه اوصاف نفسانی و روحی؛ بیشتر معرفت و میل است.

دو مبدأ خوف

خوف مراتب دارد و مراتب و درجات خوف هم به دو مبدأ علم و میل برمی‌گردد، خوف ذات درجات و مقول به تشکیک است و مقول به تشکیک بودنش وابسته به مبادی‌اش است، گرچه نمی‌توان گفت که ساختار بدنی و مکانیزم‌های بدنی بی‌تأثیر است، عمدتاً مراتب داشتنش به مبادی برمی‌گردد، ساختارها بر علم و میل تأثیر می‌گذارد و کم‌وزیاد می‌کند، غالب این موارد در بحث‌های اخلاقی، تربیتی و تفسیری تأثیر دارند.